



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir

سال چهارم - شماره ۳۵
شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۹۴



◈ عربستان در
عراق چه می خواهد؟

◈ مصاحبه با بانو
کاظم زاده (جانپاز و نویسنده)



◈ اصولگراها
و نیاز به اصلاحات

◈ زن مسلمان
و اقتصاد مقاومتی

سال‌هاست، تو مطلع غزلی شده‌ای که شاعران نسروده‌اند!
و سر آغاز نور شگفتی که روشنایی خورشید را خجل کرده
بیا و بگو؛ کدامین صبح به پاسخ سلام تو آغاز می‌شود؟
و کدامین سال، به فروغ روشنِ سینِ سلامتی آمدنت
هر بهار، سفره‌هایی پر از سین داریم اما در میانه راه؛
ما مانده‌ایم در حسرت پاسخ سلامی کوتاه
و هفت سین‌های مکرری که بی تو چیده‌ایم،
همه سرشار از اندوه و آه ...

باور کن این همه ندیدن تو، دردیست جانکاه

بیا که همه هستیم چشم بر راهِ یک نگاه

چه خوش است آن رستاخیزی که عطرِ شکوفه‌های یاس،

با گلاب ناب و خالص، درهم آمیزد و نقش روزگاران، همه گلِ نرگس شود

و در آن فروردین بهشتی، که تو بیایی و رنج‌های بی‌امان را از دوش آب و خاک برداری

و آب را دوباره به مهرِ مادر آفتاب بستانی و برسانی بر خاکِ تشنه‌ی وجود

و سرافرازمان کنی به دیدن جلوه رخ آفتاب‌ات و بگشایی سرّ این راز بزرگِ بهانه‌ی خلقت را

که «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ»

در آن بهار، ما رستگار خواهیم شد

نویسنده: sepehra

بِرَأْيِ خَضِرِ بَابِلَ



ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی میعاد

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۹۴

شماره ۳۵

فهرست

- ۴ کلام نور
- ۵ سرمقاله
- ۶ اصولگرها و نیاز به اصلاحات
- ۸ اینفوگرافیک
- ۹ نتانياهو هم اگر به کاخ سفید برود برجام را
- ۱۰ بازداشتگاه مخوف
- ۱۱ نگارستان
- ۱۲ نقاش تمدن
- ۱۴ گزارش تصویری
- ۱۵ زن مسلمان و اقتصاد مقاومتی
- ۱۶ وصیتنامه
- ۱۷ خاکیان افلاکی
- ۱۸ عربستان در عراق چه می‌خواهد؟
- ۲۰ کلیپ
- ۲۱ کاتور
- ۲۲ احکام
- ۲۲ آرامش قلب (نانوشته)
- ۲۳ مصاحبه
- ۲۶ شعر
- ۲۷ برگی از بهشت (کار بی‌دلیل نداشته باش)

سردبیر:

Baran

نویسندگان:

Ayaran313 - Hamase - Matinemami - Parasto

Sobhanshahidi - Soode

طراح و صفحه‌آرا:

س.م.حسینی

سایر همکاران:

Ighalameshghii - Mamitavanim92 - Salam110

طراح جلد:

س.م.حسینی

با استفاد از نقاشی خط آقای علی کیان‌مهر و خط کوفی آقای محسن نوری نجفی

کانال ماهنامه در تلگرام:

@miaad_ir

رایانامه:

nashrie_afsan@mihanmail.ir

شماره پیامک:

۳۰۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰

ما را در مسیری که شروع کرده‌ایم تنها نگذارید. ایده‌های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «میعاد» بنویسید. ما به توانایی‌های نسل جوان ایمان داریم. منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی‌ترین برادر ما خواهید بود. مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسندگان آن است. استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند.

نشریه «میعاد»، وعده‌گاه سربازان متعهد و دلسوز جبهه جنگ نرم است و خود را جزئی از حرکت مستمر و بالنده انقلاب در رسیدن به تمدن اسلامی می‌داند. به کارآمدی سنت علمی، عملی و رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب (ع) و رهبر معظم خود (حفظه الله) اعتقاد دارد و راه و روش خود را بر اساس، حفظ، ترمیم و بالندگی انقلاب اسلامی طراحی می‌کند و حرکت خود را با تکیه بر آن منویات بی‌بدیل پیش می‌برد. نگاه ما به تحولات جهانی، نگاهی یکپارچه به گذشته، حال و آینده است، چون معتقدیم بی‌توجهی به هر یک باعث خسران است و استمرار حرکت اصیل اسلامی، در گرو فهم گذشته و مدیریت حال برای تحقق آینده مطلوب است. این نشریه، درصدد احیاء، تبیین، همسرایی و همگرایی مفاهیم انقلابی اسلام در حوزه‌های سیاسی - اجتماعی برای مخاطب خود است؛ با نگاهی بیشتر و عمیق‌تر...





امروز مردم متوجه به اسلامند، آنها هم به اسلام روی آورده‌اند، مردم انقلابی شده‌اند، یک دسته دیگر از جوان‌هایشان را دادند، یک دسته دیگر اموالشان از بین رفته، یک قشر دیگر فریاد زدند و اینها توی خانه‌ها نشسته بودند، اگر کمک نمی‌کردند، لاقل کاری نداشتند، تماشا می‌کردند ببینند کی جلو می‌افتد، در خارج نشسته بودند، در خارج ایران، در داخل ایران نشسته بودند و نظر دوخته بودند که ببینند کدام طایفه‌ای که با هم دارند جنگ می‌کنند اینها غلبه می‌کنند، هر کدام غلبه کردند بروند زیر علم آنها! حالا مسلمان‌ها غلبه کردند، آمده‌اند زیر بیرق مسلمان‌ها. لکن شیطنت‌شان را دست برمی‌دارند. در ظاهر فریاد می‌کنند و اسلام را ترویج می‌کنند و رژیم سابق را طاغوت می‌گویند و رژیم فعلی را جمهوری اسلامی می‌گویند لکن در زیر پرده مخالفت می‌کنند با اسلام، مخالفت می‌کنند با جمهوری اسلامی. اگر امروز کارتر پیش بیاید، اینها سینه‌زن برای کارترند! حالا هم در زیر دارند سینه می‌زنند برایش. الان هم روابط با آمریکا، هم مستقیم هست مع الواسطه. هرکس بیاید آنطوری است، منافقین اینطورند، پس این صفت منافقین است.

امام خمینی (ره) ۱۳۵۸/۹/۲۴



تا وقتی من و شما در راه راست حرکت کنیم، در جاده‌ی مستقیم حرکت کنیم، خودمان را بر طبق اراده‌ی الهی تطبیق کنیم - به حدّ ممکن؛ حالا به‌طور کامل که ماها خیلی کوچک‌تر از این حرفها هستیم - خدای متعال نعمتش را بر ما باقی نگه می‌دارد، امّا وقتی خودمان خودمان را خراب کردیم، خودمان ایجاد اختلاف کردیم، خودمان علیه هم توطئه کردیم، خودمان با هم دست‌به‌یقه شدیم، خدای متعال نعمتش را برمی‌دارد؛ خدا با کسی قوم و خویشی ندارد. ذَلِكْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ نعمتی را که به شما داده، این نعمت را خدا از شما نمی‌گیرد تا وقتی خود شما زمینه را خراب کنید؛ وقتی زمینه را خراب کردید، نعمت سلب خواهد شد. این تجربه‌ی ملت ایران است که توانسته‌اند نعمت الهی را برای خودشان حفظ کنند.

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) ۱۳۹۴/۵/۳۱



مکتب ولایت مدنی

نویسنده: matinemami

نکند جریان نوپای اسلام را به سمت و سوی دیگری برد و دچار فتنه شویم، و می‌خواهیم از فتنه جلوگیری کنیم و...

آن حضرت در بخشی از دفاعیات و خطبه خود، هماهنگ با آیه شریفه قرآن، به یکی از مصادیق عذر اجتناب از فتنه و در عین حال، سقوط در فتنه اشاره فرمودند: **إِنْتَدِرَا رَعْمَتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ...** به خاطر جلوگیری از فتنه، این کار را انجام دادیم؛ درحالی که همین کار، عین سقوط در فتنه است. مسلماً جهنم به کافران احاطه دارد. (صفایای حایری، ۱۳۸۳، ص ۵۵).

آری! به هیچ وجه قصد آنان از این اقدام، جلوگیری از فتنه نبود، بلکه هوای ریاست و خلافت، آنها را به شتابزدگی واداشته بود، که مبادا دیگران آن را به دست آورند.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) از همان آغاز فتنه که توسط سیاست‌بازان روی داد، نقش خود را به خوبی ایفا کرد، و در دفاع از حق کمترین تردیدی به خود راه نداد و تا پای جان از ولایت، در قالب‌های مختلف دفاع کرد. برای دفاع از ولایت، فدک بهانه‌ای می‌شود تا با سخنرانی‌هایش به دفاع از حق علی (علیه السلام) به عنوان شاخص مکتب ولایت بپردازد و به تبیین حقیقت ولایت پرداخت و تنها او را شایسته این مقام و منصب دانست. در دفاع از ولایت، با افشا فتنه معاندان، عواقب زیان‌بار آن را بیان نمود و اعتراض خود را نسبت به کسانی که سکوت کردند و با سکوت خود، صحنه بر پای مظالم گذاردند و زمینه ساز بروز فتنه‌ها شدند اعلام کرد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) بارها اعتراض خود را حتی با گریه‌های هدفمند در جهت مبارزاتش علیه غاصبان حق و ناراضیانی از دستگاه حاکم به گوش همگان رساند و در نهایت، با وصیت نامه سیاسی - تاریخی خود، تیر نهایی دفاع از ولایت را زد و دامن مبارزه را تا قیام قیامت توسعه داد و با دفن شبانه و قبر بی‌نشانش، از ولی‌اش دفاع نمود و مظلومیتش را به جهان و جهانیان ثابت کرد.

ایشان با انگیزه الهی و با حفظ بصیرت، به دفاع از حقیقت و احقاق حق ولایت پرداخت و به ما آموخت باید در همه حال پشتیبان حریم ولایت بود، حتی در اوج غربت و تنهایی. باید برای پیروزی هرچند با امیدی ضعیف تلاش کرد. باید با نظام ظلم مبارزه کرد؛ محکوم نمود؛ و اگر باطل را نمی‌توان ساقط کرد، می‌توان رسوا ساخت.

آزادگی ما را به موضع‌گیری مثبت در رابطه با جهان و واقعیت‌های آن دعوت می‌کند و از ما می‌خواهد در رابطه با حوادث و جریانات بی‌تفاوت نباشیم. چراکه وقایع و اتفاقاتی که در حیات بشر پدید می‌آیند هرکدام به نحوی در سرنوشت ما و بشریت مؤثرند و طبعاً طرز برخورد با آن وقایع باید مسئولانه باشد.

در مقطعی از تاریخ اسلام، سیاست‌بازان بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سقیفه بنی‌ساعده در کشمکش سیاسی و فتنه‌گون، با هدف قرار دادن حاکمیت باطل بر محور حق و عدل، حوادثی را برای دنیای اسلام پدید آوردند که هنوز آثار آن برای عالم اسلام تلخ و ناگوار است. رویکرد حضرت زهرا (سلام الله علیها) در آن واقعه، به عنوان اولین حامی و آغازگر دفاع از حریم ولایت، از فرازهای مهم در حرکت تاریخی اسلام و تعیین کننده مبانی و ارزش‌های اجتماعی و سیاسی اسلام است. در این زمان است که فاطمه (سلام الله علیها) همچون سیاست‌مداری قهرمان در صحنه زندگی ظاهر می‌شود و در دفاع از ولایت، مکتب سیاسی خود را که عمرش کمتر از صد روز بود می‌گشاید، و ضمن نشر «فرهنگ سیاسی» اسلام، معیار ولایت‌مداری را همچون مشعل هدایت، فراروی پیروان و حقیقت‌مداران قرار می‌دهد.

نتیجه رفتار انحرافی سیاست‌بازان فتنه‌گر، صرفاً خروج یک شخص از صحنه سیاست نبود، بلکه خطری بزرگ پیش آمد که عملاً قرآن و عترت به عنوان دو یادگار پیامبر (صلی الله علیه و آله) دیگر تأثیر حقیقی را در بین جامعه مسلمانان نمی‌توانست داشته باشد و این مسئله‌ای بود که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) متوجه آن بود. لذا مکتبی را در صدر اسلام گشود که تا قیام قیامت می‌تواند شاخص شناخت انحراف از اسلام باشد و نقشه‌های مسلمان ماهایی را که جهت اصلی‌شان اسلام نیست برملا کند.

حرکت انقلابی حضرت زهرا (سلام الله علیها) و دفاع مقدس او از صراط مستقیم الهی، از همان روزهای اولیه رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شروع شد؛ آن گاه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) دار فانی را وداع نمود، خواص جامعه با چنان سرعتی بر ارزش‌ها و مبانی اسلامی تاختند که حضرت زهرا (سلام الله علیها) تعجب خود را از چنین سرعتی در ارتداد، اعلام می‌کند؛ از جمله، در انتخاب خلیفه و پشت پا زدن به دین، که هنوز پیامبرشان دفن نشده بود، و نیز از آوردن بهانه‌های بی‌جا برای عمل خود، که

اصولگرایان و نیاز به اصلاحات

آسیب شناسی اصولگرایان

در انتخابات ۹۴

و لزوم ایجاد اصلاحات

در سیاست‌ها

انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۹۴ با تمام فراز و نشیب‌ها و جنجال‌های تبلیغاتی خود پایان یافت. دمای رقابت در تهران بسیار بالا بود و در راس گروه‌های رقیب در یک طرف ائتلاف بزرگ اصولگرایان با افرادی سرشناس و متخصص در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بود و در طرف دیگر لیستی دسته چندم از اصلاح‌طلبان قرار داشت، لیستی که عضویت در آن شاید شرایط چندان سختی نداشت تا جایی که حتی برخی از افراد که در گذشته از اصولگرایان بودند نیز در آن جای گرفتند.

در تهران، رقابت بین این دو لیست بسیار بالا گرفته بود و شاید بتوان گفت کسی نمی‌توانست نتیجه نهایی انتخابات را به طور قطع پیش بینی کند. سرانجام بعد از برگزاری انتخابات و شمارش آرا در تهران مشخص شد برنده رقابت بین لیست‌ها ائتلاف اصلاح‌طلبان با عنوان لیست امید بود.

در این انتخابات شاهد ورود افرادی به مجلس بودیم که کمتر تجربه و سابقه سیاسی و اجرایی داشتند و شاید بهتر است بگوییم؛ مجلس اولی‌ها در تهران اکثریت کرسی‌ها را به دست آوردند. اما دلیل شکست اصولگرایان در تهران چه بود؟ شکستی که در نتیجه آن افرادی سرشناس و اصلی در جناح اصولگرایان کنار گذاشته شدند، اصولگرایان از این شکست چه درسی باید بگیرند؟

اصولگرایان بیش از هر چیزی نیاز به بررسی دلایل این شکست سیاسی و پیدا کردن راه حل دارند. این اتفاق باید در عرصه‌های مختلف سیاسی، جامعه‌شناختی و روانشناسی تحلیل و بررسی شود و سازمان‌دهی اصولگرایان بهبود یابد.

موارد زیر برخی از دلایل اصلی عدم موفقیت اصولگرایان از دید نویسنده است که البته ممکن است این موارد از دیدگاه افراد دیگر متفاوت بوده و یا نیازمند به اصلاح:

۱- نبود یک رهبر معنوی قوی برای اصولگرایان؛ پس از رحلت آیت‌الله

مهدوی کنی باید گفت جای خالی یک بزرگتر که سامان دهنده اوضاع این جناح باشد در میان اصولگرایان احساس می‌شود، یک کاریزمای قوی با قدرت مدیریت بالا در شکل‌دهی و تدبیر چیدمان سیاسی اصولگرایان. فقدان این رکن در میان اصولگرایان یکی از دلایل مهم این شکست بود.

۲- عدم وحدت و انسجام در اصولگرایان؛ در رقابت‌های انتخاباتی شامد بودیم که برخی از نامزدهای انتخاباتی که سابقه سیاسی‌شان حاکی از اصولگرا بودن آنها بود به این دلیل که در لیست اصلی ائتلاف نبودند به طور مجزا و مستقل اعلام ائتلاف کردند و یا اینکه با عنوان نامزد مستقل وارد انتخابات شدند و هر یک بخشی از آرای اصولگرایان را خُرد کردند. در این باره دو نظر می‌توان داد اول اینکه اگر این افراد دارای پایگاه اجتماعی بودند و شرایط شرکت در لیست را داشتند چرا آنها را بزرگان ائتلاف در لیست به کار نگرفتند؟ و در عوض میدان را به نیروهایی کم تجربه و یا حتی ناشناس در میان قشر مردمی دادند و این موضوع اگر توجیهی عقلی و منطقی در پی نداشته باشد حاکی از یک سوء تدبیر سیاسی است، دوم اینکه اگر این افراد اصولگرا بودند و در میدان ماندن جریان اصولگرایی برایشان مهم بود چرا کوتاه نیامدند و از رقابت کنار نکشیدند و این عمل خود ناقض اصولگرایی است، مساله‌ای که در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ پیش آمد و بازهم اصولگرایان از آن درس نگرفتند.

۳- فاصله گرفتن از مردم؛ متأسفانه باید گفت اصولگرایان دارند از توده مردم فاصله می‌گیرند و این خطرناک‌ترین آفت و کشنده‌ترین آسیب برای یک جریان سیاسی است. جریانی که از مردم فاصله بگیرد حیات سیاسی را از دست می‌دهد و این شکاف‌ها شاید نتیجه عدم عملکرد صحیح در مدتی بود که آنها قدرت سیاسی و اثرگذاری بالایی داشتند، میزان حمایت مردم از اصولگرایان در سالهای گذشته و دولت قبل نتیجه پیوند با مردم مخصوصاً قشر ضعیف و مستضعف بود که امروز شاهد آن حمایت، با کیفیت سابق نیستیم.

۴- عملکرد ضعیف رسانه‌ای؛ شاید یکی از مهم‌ترین دلایل برد لیست امید در تهران موج سازی نسبتاً قوی رسانه‌ای و خلاقیت‌های تبلیغاتی بود که اصولگرایان از این بستر به خوبی استفاده نکردند. شاید بیشتر از اینکه چه ابزارها و امکانات رسانه‌ای در اختیار داشته باشیم اینکه مخاطب را بشناسیم و هم زبان با او باشیم مهمتر باشد و این همان است که اصلاح طلبان از آن استفاده کردند. اصولگرایان باید بدانند بلوغ سیاسی صرفاً ارائه یک لیست نیست.

این مرحله اول آن است بلکه باید بیش از هر چیزی نیاز مردم را شناخت و پاسخ داد. مردم از اصولگرایان توقع دارند، چرا که آنها ادعا می‌کنند مشی‌شان بر مبنای اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی است و اگر آنها نخواهند عملکرد درست و صحیح داشته باشند مردم برای «نه» گفتن به آنها به دیگری «آری» می‌گویند که با عملکردش فریاد می‌زند اصول و مبنای ندارد.

بنابراین باید اصلاحات اساسی و مهمی به وجود بیاید و باید اصولگرایان دست به اصلاحات بزنند. آنها باید روند خود را اصلاح کنند تا بتوانند همچنان موثر بمانند، وگرنه باید باز هم شاهد حوادثی تلخ باشیم که ناشی از بی‌مبالاتی جریانی است به نام اصلاحات، جریانی که برخی از اعضای آن، اصلاحات را برای اعمال خود جعل کرده‌اند.

اصولگرایان در گام اول باید خلاء و فقدان یک کاریزمای سیاسی را برای خود حل کنند آنها کسی را برای رهبری نیاز دارند.

گام بعدی انسجام و اتحاد به نفع اصولگرایی است اگر کسی و یا گروهی از اصولگرایان می‌بیند مصلحت ایجاب می‌کند که در میدان نباشد پس باید کنار بکشد و به مصالح عمومی بپا ندیشد.

گام بعد در میان مردم رفتن است آنها باید بیش از پیش در میان مردم باشند و صادقانه، از درد آنها آگاه شوند. آنها باید بتوانند با همراه کردن قشر ضعیف و غیرهمراه، در مسیر احقاق حقوق مردمی در رقابت های بعدی گام بردارند .

همچنین دستگاه‌های رسانه‌ای جبهه انقلاب هم باید متحد شوند تا با وجود عدم همبستگی و تکثر در بین رسانه‌ها، شرایط برای رشد و عملکرد رسانه‌های زنجیره‌ای اصلاحات و یا مخالف را به وجود نیاورند و با اتحاد خود مانع این امر شوند.

اصلاحات یکی از رکن‌های اصولگرایی است، اصولگرایی یعنی بر مبنای اصول و آرمانها عمل کردن. اصلاحات و تغییر وضعیت موجود در جهت رسیدن به وضع مطلوب یکی از اصول مکتب انقلاب اسلامی است که عده‌ای دیگر آن را برای عملکردهای خود جعل کرده‌اند. باید این بار اصولگرایان اصلاحات حقیقی را دنبال کنند و در قالب جبهه‌ای جدید و انقلابی و مردم‌دار با جامعه ارتباط برقرار کنند. اگر می‌خواهیم در آینده‌ای نزدیک شاهد یک اصولگرایی بالغ و قوی باشیم باید امروز دست به کار شویم.

شورای اسلامی جایگاه بسیار با اهمیتی است. چرا؟ چون مجلس ریل‌گذار حرکت دولت است... اگر چنانچه مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، به دنبال پیشرفت علم، پیشرفت فناوری، به دنبال عزت ملی و استقلال ملت باشد، ریل‌گذاری او به سمت این هدفها خواهد بود؛ اگر مجلس مرعوب غرب باشد، مرعوب آمریکا باشد، دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری باشد، ریل‌گذاری او در این جهت‌ها خواهد بود؛ کشور را بدبخت خواهند کرد.

بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) - دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

مجلس انقلابی

پایگاه اطلاع‌رسانی **KHAMENEI.IR** به مناسبت فرارسیدن ایام انتخابات برخی بایدها و نبایدهای مجلس شورای اسلامی را براساس بیانات رهبر انقلاب اسلامی در این اینفوگرافیک مرور کرده است.

وظایف اصلی مجلس شورای اسلامی

نظارت درست بر دولت در اجرای قوانین

موضع‌گیری و فعالیت در مسائل داخلی و بین‌المللی

قانونگذاری به‌وقت به‌م هنگام و درست

نبایدهای مجلس

- ۱ مرعوب غرب و آمریکا
- ۲ وجود گرایش‌های منافی با اصول انقلاب
- ۳ منشأ تشنج بودن برای جامعه
- ۴ سوء ظن نسبت به دولت
- ۵ تکرار حرف دشمن در مسائل هسته‌ای و ...
- ۶ دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری

نبایدهای رفتاری نماینده

- ۷ غفلت از انجام وظیفه در مجلس
- ۸ هیاوو هنگام صحبت مسئولان در مجلس
- ۹ اتهام زنی و به کاربردن تعبیرات ناپسند
- ۱۰ غیبت بالاتر از حد نصاب
- ۱۱ اهانت به وزرا در کمیسیون‌ها
- ۱۲ بی‌مبالاتی در مسائل مالی
- ۱۳ شرکت نکردن در رأی‌گیری
- ۱۴ کدده گرفتن در انتهای مجلس



بایدهای مجلس

- ۱ مواضع اصولی بر مبنای فرمایشات امام
- ۲ استقلال و شجاعت
- ۳ مبارزه با مفسد اقتصادی
- ۴ پیگیری در جهت رفاه مردم و عدالت اجتماعی
- ۵ مطالعه و تحقیق درباره لوایح
- ۶ حرمت نهادن به آزارش فضای سیاسی
- ۷ حفظ اتحاد در درون مجلس و با قوای دیگر
- ۸ پیگیری در جهت پیشرفت علم و فناوری

بایدهای رفتاری نماینده

- ۹ گفتگوی حکیمانه و خردمندانه
- ۱۰ حضور مفید در محیط کار
- ۱۱ کاهش هزینه‌ها مانند سفرهای بی‌مورد
- ۱۲ سرعت در رسیدگی به کارها

بیانات بر اساس تاریخ‌های

- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸

بیانات بر اساس تاریخ‌های

- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸
- ۱۳۸۳/۱۱/۲۸





برجام اطمینان به پای بندی آمریکا به عنوان یک دولت به قراردادهای و توافقاتش را در میان دیگر بازیگران بین المللی و در مواردی غیر از برجام به شدت تضعیف کرده و به اعتبار این کشور صدمه می زند. در نتیجه، محافل سیاستگذاری در ایران ریسک منتفی شدن برجام از سوی آمریکا را چندان جدی نمی دانند اما معتقدند تغییر دولت در آمریکا می تواند راهبرد این کشور در استفاده از اهرم های فشار تعبیه شده درون برجام علیه ایران را سخت گیرانه تر کند.

در همین راستا، سناتور دموکرات کریس مورفی از ایالت کنکتیکت آمریکا معتقد است نامزدهای داوطلب انتخابات ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه با وجود مخالفت گسترده خود با توافق هسته ای ایران، در صورت ورود به کاخ سفید به این توافق پایان نخواهند داد. مورفی روز ۹ بهمن، در «شورای روابط خارجی» در نیویورک گفت: «من باور نمی کنم همه نامزدهای جمهوریخواه افرادی صادق باشند. من تصور می کنم نامزدهای جمهوریخواه وقتی می گویند این توافق را لغو می کنند، آشکارا دروغ می گویند».

این سناتور آمریکایی افزود: «سناتور مارکو روبیو در صدر فهرست نامزدهای جمهوریخواهی قرار دارد که به توافق هسته ای با ایران پایان نخواهند داد. روبیو خودش خوب می داند زمانی که رئیس جمهور شود، این توافق را لغو خواهد کرد».

بعلاوه سوزان رایس، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل و مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا اخیراً در اظهاراتی اعلام کرد «توافق هسته ای هرگز تلاشی برای گشودن دوره ای جدید از روابط تهران و واشنگتن نبوده است. هدف اصلی این بود که کشوری خطرناک را کم خطرتر کنیم. کسی انتظار نداشت ایران عنصری بی خطر باشد».

جفری گلدبرگ در مقاله خود در نشریه آتلانتیک، علاوه بر نقل قول فوق از سوزان رایس می نویسد: «باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، از همان آغاز ریاست جمهوری اش با وجود انتقادات بسیار، تصمیم گرفت به سرسخت ترین دشمن خاورمیانه ای آمریکا (از غرب آسیا تا شمال آفریقا) یعنی ایران، نزدیک شود. توافق هسته ای که او با ایران منعقد کرد، ثابت می کند که اوباما ریسک گریز نیست. او (اوباما) وعده داده است که یکی از بزرگترین حامیان دولتی تروریسم دنیا (ایران) به این توافق پایبند بماند و برنامه هسته ای اش را محدود کند».

همه شواهد نشان می دهد راهبرد کلان و بلندمدت آمریکا در مصادف با ایران، تحصیل توافقی بلند مدت برای مهار جمهوری اسلامی و پس از آن تلاش برای استحاله و فروپاشی از درون بوده است و محصول اولیه این راهبرد که برجام است هیچگاه از طرف آمریکایی لغو نخواهد شد.

منبع: ایران هسته ای

<http://www.irannuc.ir>

رصد دقیق تحولات انتخاباتی در آمریکا نشان می دهد که ادعاهای هیچ یک از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری این کشور درباره کنار گذاشتن برجام را نباید جدی گرفت. دونالد ترامپ و مارک روبیو دو کاندیدای جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا وعده داده اند در صورت پیروزی در انتخابات آتی ریاست جمهوری، برجام را کنار خواهند گذاشت.

با این حال، این موضع در تهران چندان جدی گرفته نمی شود و عقیده عمومی این است که هدف این اظهارات بیشتر تحریک افکار عمومی داخلی آمریکاست.

اما «ما عقیده داریم حتی اگر نتانیاهاو هم در آمریکا رییس جمهور شود، برجام را کنار نخواهد گذاشت». زیرا آنها جایگزینی ندارند».

صرف نظر از اینکه چه کسی در آمریکا رییس جمهور خواهد شد، به چند دلیل برجام به حیات خود ادامه خواهد داد:

- ۱- به دلیل وجود یک سیاست دوحزبی در آمریکا که برجام نتیجه آن است و در نتیجه از نوسانات حزبی در آمریکا تاثیر نخواهد پذیرفت.
- ۲- برجام یک توافق بین المللی و بخشی از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است و آمریکا به این دلیل نمی تواند به سادگی از آن خارج شود.
- ۳- خروج یک طرفه از برجام، روابط آمریکا را با سایر اعضای ۵+۱ به مخاطره انداخته و ریسک نافرمانی آنها از واشینگتن را جدی خواهد کرد.
- ۴- آمریکا در حالی که زیرساخت تحریم ها را حفظ کرده، در این توافق به عمده آنچه که می خواسته دست یافته است. از جمله، آمریکا موفق شده به طور کامل و با زمان بازگشت پذیری بسیار طولانی، برنامه هسته ای ایران را متوقف کند. این درباره رژیم صهیونیستی هم که خواهان توقف کار در فردو و همچنین پایان غنی سازی ۲۰ درصد به عنوان اولویت امنیتی خود بود، صدق می کند. بنابراین بسیار بعید است که آمریکا مایل به به خطر انداختن چنین دستاوردهایی باشد.
- ۵- این توافق از حمایت خوبی در افکار عمومی آمریکا برخوردار است و بنابراین ریسک عبور از آن در محیط سیاست داخلی آمریکا بسیار بالا خواهد بود.

۶- همچنین به طور نسبی می توان این ارزیابی را پذیرفت که خروج از

نتانیاهاو هم اگر به کاخ سفید برود **برجام** را لغو نخواهد کرد



GUANTANAMO

بازداشتگاه مخوف

زندانیان مظنون به شرکت در عملیات تروریستی که در بازداشتگاه گوانتانامو، از حقوق بین‌المللی زندانیان برخوردار خواهند شد. اما از ۱۶۶ زندانی گوانتانامو که از ۲۳ کشور مختلف هستند، تنها ۹ زندانی به طور رسمی متهم شناخته شدند و یا متهم به یک جرم کیفری هستند.

زندانیان گوانتانامو که اکثراً مسلمان هستند، به دلیل بازداشت ۱۱ ساله بدون محاکمه و تفهیم اتهام و تنها به جرم «مظنون» بودن به شرکت داشتن یا طراحی عملیات تروریستی بر ضد آمریکا و به خاطر وضعیت خشونت‌بار زندان و برخوردهای اهانت‌آمیز نظامیان آمریکایی در بازرسی از سلول‌ها و بی‌احترامی به قرآن‌های زندانیان، تصمیم به اعتصاب غذا گرفتند.

به گزارش آسوشیتدپرس، تعداد اعتصاب‌کنندگان در گوانتانامو در ماه آوریل سال ۲۰۱۳ به ۱۳۰ نفر رسید که مقامات این زندان تلاش خود را برای توقف این اعتصاب به کار بستند اما موفق نشدند. وخامت حال زندانیان گوانتانامو نه تنها مقامات آمریکایی را به تجدیدنظر در رفتارشان ترغیب نکرد، بلکه برای رهایی از این فاجعه انسانی، به روش «خوراندن اجباری غذا» با وارد کردن لوله‌ای پلاستیکی از راه بینی یا دهان، روی آوردند که یکی از روش‌های شکنجه به شمار می‌رود. گروهی از وکلای زندانیان اعلام کردند که نگهبانان گوانتانامو به منظور شکست اعتصاب غذای زندانیان معترض، از تامین آب آشامیدنی اعتصاب‌کنندگان خودداری کرده و دمای اردوگاه را به حد انجماد رساندند. این اقدام سلامت زندانیان به شدت در معرض خطر قرار داد. اعتصاب غذا و همچنین آمار مرگ‌های مشکوک و خودکشی‌ها در این زندان رو به افزایش است.

موضوع بسته شدن گوانتانامو - که یکی از وعده‌های انتخاباتی اوباما بود - همچنان نقل محافل سیاسی و حقوق بشری باقی مانده است. در ژانویه ۲۰۱۱، اوباما لایحه دفاعی خود را ارائه کرد و در آن پیش‌بینی شده بود تحویل زندانیان محبوس در گوانتانامو به کشورهای مادر و یا هر کشور دیگری با محدودیت جدی روبرو گردد و این خود عملاً به معنای پایان امیدها برای بسته شدن این زندان به شمار می‌آمد. گفته می‌شود هر زندانی برای مالیات‌دهندگان آمریکایی‌اش، سالیانه ۱ میلیون دلار هزینه دارد و این امر با توجه به بدهی‌های روزافزون آمریکا به هیچ وجه برای مردم این کشور توجیه‌پذیر نیست. فجایعی که در گوانتانامو رخ می‌دهد تا حد زیادی دستخوش سانسور می‌گردد.

بازداشتگاه گوانتانامو نام زندانی است در خلیج گوانتانامو در جنوب شرقی جزیره کوبا که در اختیار ارتش آمریکا قرار دارد. این پایگاه طبق قرارداد بین آمریکا و کوبا، از سال ۱۹۰۳ در اجاره نیروی دریایی آمریکا بوده و اگرچه پس از انقلاب کوبا در دهه ۱۹۵۰، دولت آن کشور خواستار لغو این اجاره نامه شد، اما آمریکا با این درخواست موافقت نکرده است.

گوانتانامو دارای سه اردوگاه به نام‌های: اردوگاه دلتا (که شامل اردوگاه اکو نیز می‌شود)، اردوگاه ایگوانا و اردوگاه اشعه ایکس می‌باشد که دیگر تعطیل شده است. البته براساس گزارش آسوشیتدپرس، اردوگاه دیگری نیز به نام اردوگاه شماره هفت وجود دارد که بیشترین ملاحظات امنیتی در مورد آن اعمال می‌شود و در موارد خاص از آن استفاده می‌گردد.

در پی حملات انتحاری ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در آمریکا و اعلام دکترین «مبارزه جهانی با تروریسم» و اشغال افغانستان، دولت آمریکا بازداشتگاهی را در این پایگاه ایجاد کرد تا کسانی را که در ارتباط با اقدامات تروریستی خارج از خاک آمریکا در نقاط مختلف جهان بازداشت می‌شوند، در این محل زندانی کند.

آمریکا این افراد را که دارای تابعیت آمریکایی نیستند «نظامی دشمن» نمی‌داند. در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، زندانیان گوانتانامو را «جنگجوی دشمن» و همچنین «دشمنان متخاصم» می‌نامید. این اصطلاح اصولاً در سیستم حقوقی ایالات متحده آمریکا، به افرادی اطلاق می‌شد که بدون اینکه کشورشان با آمریکا رسماً در حال جنگ باشد، به اقدام مسلحانه علیه منافع ایالات متحده مبادرت کرده و از این روی، طبق تفسیر قانونی دفتر حقوقی ریاست جمهوری آمریکا، مشمول حقوق بازداشت شدگان در آمریکا مانند ایراد رسمی اتهام، دسترسی به وکیل مدافع در مراحل بازجویی و حق محاکمه سریع و عادلانه نشده‌اند.

به طور خلاصه می‌توان به شکنجه‌هایی همچون: محرومیت از خواب، پاشیدن مستقیم گاز فلفل به صورت، گرسنگی دادن‌های بسیار، شکنجه از طریق زخم‌های زندانیان، کثیف نگاه داشتن زندانی و سلول، تضعیف روان و جسم زندانی، وابسته کردن زندانی به بازجوی خود، رساندن زندانی به درجات حیوانی و غیره در این زندان اشاره کرد.

در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۰۹ میلادی، وزارت دادگستری آمریکا اعلام کرد که از این پس آمریکا از عنوان «جنگجوی دشمن» برای مظنونان به عملیات تروریستی استفاده نخواهد کرد. با توجه به این دستور،



تفاشک

نویسنده: ۳۱۳ ayaran

شخصیت و استراتژی حضرت فاطمه فهمیه (سلام الله علیها) الگو و شاخص برای زنان مسلمان می‌باشد که غفلت از آن غفلت از ساختار اولیه تمدن اسلامی است. در مکتب فاطمی خانواده محور اصلی و زن هسته خانواده می‌باشد و می‌تواند سرنوشت، اوج و سقوط خانواده را رقم زند.

در حیات کوتاه حضرت فاطمه مرضیه (سلام الله علیها)، ایشان هر چهار مرد خانواده خود را همراهی، پشتیبانی و تربیت کردند. پس از وفات مادر بزرگوارشان سنگ صبور و مایه دلگرمی پدر در شرایط سخت مکه بودند. سالها در زندگی زناشویی مونس و همدمی دلسوز برای همسر خویش و بعد از رحلت پیامبر تنها حامی و یار وفادار جانشین ایشان بودند و در مقام مادر، پسرانی تربیت و تعلیم دادند که معیار حق و باطل بشریت در طول تاریخ شدند. حلقه واسط این مردان بزرگوار وجود مبارک زهرا مکرمه (سلام الله علیها) بود و در نهایت از این خانواده چندین نسل عالم معصوم متولد شد.

زن علاوه بر اینکه کانون خانواده می‌باشد می‌تواند آینده یک جامعه و نسل‌های بعد آن را هم تحت تاثیر خود قرار دهد. از این رو زن روح خانواده و خانواده روح جامعه است. خانواده، کارخانه تولید

سرمایه اجتماعی و منشا سیاسی و اقتصادی جامعه می‌باشد. اگر روح و ذهن کارخانه سالم و کامل باشد این سرمایه، با کیفیت و اهداف عالی تولید شده و پیش می‌رود.

زن، مربی و پرورش دهنده جامعه است و می‌تواند با نقش خود جهان را آباد و کامل کند یا اینکه آن را نابود و ویران کند. منشاء سعادت و در مقابل آن فساد یک ملت به عنصر زن برمی‌گردد، عنصری که به عنوان مهره کلیدی در استعمار فرانو از آن یاد می‌شود و اگر قومی بخواهد بر قوم دیگر غلبه کند باید بر روح جامعه، که زنان باشند مسلط شده و در نهایت نسل‌های آینده و اقتصاد، سیاست و فرهنگ آنها را تحت استعمار خود درآورد.

برای مثال، جامعه ژاپن با تعصبات میهن پرستانه وقتی که در جنگ جهانی دوم به دست آمریکا اشغال شد و زنان و دختران آن توسط مریبان آمریکایی تربیت شدند، نسل امروز آن با وجود استقلال سیاسی، بدون هیچ غرور ملی، همان کاری را می‌کند که دولت آمریکا از آن می‌خواهد. همچنین در افغانستان اشغال شده امروزی... آنچه که در آینده‌نگری تمدن بشر همیشه حرف اول و آخر را می‌زند سرمایه اجتماعی است و ملتی مقدم است که سرمایه اجتماعی سالم در همه عرصه‌ها داشته باشد. توان صنعتی، قدرت نظامی، سیاست مقتدرانه، سوخت و انرژی و... هیچگاه تضمین کننده مطمئنی برای تداوم و بقا یک تمدن نبودند. جامعه بدون میراث غنی اجتماعی عقیم و محکوم به انحطاط است. آیا امروز تفکر و نسلی از حکومت فراعنه مصر، امپراطوری روم، خلافت آل امیه و بنی عباس باقی مانده است؟!

اینچنین تمدن‌ها در تاریخ مانده‌اند و فرصت بسط خود را پیدا نکردند چون جنسیت زن در درون آن به عنوان یک عنصر تمدن‌ساز در حاشیه قرار داشته و به خاطر استفاده‌های ابزاری از آن نتوانسته روح سالم را در جامعه مدنی طنین انداز کند.

این قانون در رابطه با نظام حاکم بر غرب هم صدق می‌کند چرا که در خانواده مدرن و فرامدرن تبیین شده برای غرب امروز، نقش مادر به عنوان شکل دهنده سرمایه اجتماعی یا کمرنگ هست و یا اینکه در حال حذف شدن می‌باشد. از این رو نظام غرب از روحیه اینار، عاطفه، از خودگذشتگی، فداکاری و احساس مسولیت دور شده است و رفته رفته با اهداف ظاهری و قدرت پوشالی به سوی افول پیش می‌رود. در واقع تمدن غرب روح سالم ندارد چون خانواده سالم ندارد، خانواده سالم ندارد چون مادر در هسته خانواده قرار ندارد.

قرآن درباره این حکومت‌ها و مکاتب بی روح و ریشه چنین می‌فرماید: (إِنَّ شَائِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ)





کنار خود می‌بیند و فرزندان ایشان در طول ۲۵ سال خانه نشینی با دل و جان از پدر پشتیبانی می‌کنند.

امام حسن مجتبی (علیه السلام)، دیپلماسی برخاسته از تدبیر فاطمی را رقم می‌زند، حضرت اباعبدالله (علیه السلام)، قیامی را برپا می‌کند که شور و شعور فاطمه شهیده در آن موج می‌زند و زینب کبری (سلام الله علیها)، فلسفه سیاست فاطمی را در شام فریاد می‌زند و با خطابه خود طاغوت را رسوا می‌کند.

اینها فقط بخشی از اقیانوس حکمت و علم الگوی زنان مسلمان و سرور زنان عالم می‌باشد. برای اینکه امروز روح جامعه ما در دست دشمن قرار نگیرد و ما را مرعوب و مغلوب خود نکند و سرمایه اجتماعی ما را از مسیر ظهور خارج نکند باید از استراتژی شکست ناپذیر و صالح فاطمی برای زنان جامعه که هسته و روح اجتماع هستند الگوبرداری شود. نباید گذشت نظریات انسانی و اجتماعی غرب که مغایر فرهنگ و ساختار مدنی ما هست نقشه راه زنان و مادران و جایگزین مدل کامل و سالم فاطمی شود.

سخن آخر:

تمدنی که می‌خواهد زنده و پویا به حرکت خود ادامه دهد باید عقیم و ایتر نباشد و راه رهایی از بی‌اصلی، چنگ زدن به ریسمان کوثری است که خداوند به برترین مخلوق خود عطا کرد و به واسطه آن به آیین و دین او هویت بخشید. (إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوْثَرَ) جامعه‌ای از آتش به دور است که فاطمی شود!



آنها ایتر و بریده از نسل و برکات هستند چون ریشه (مادر) نداشتند. آن مکتبی که با گذشت یک هزاره همچنان تداوم دارد و با جاودانگی به حیات خود ادامه می‌دهد و در طول تاریخ دچار خودباختگی نشده، آیین و مذهبی است که فاطمه ام‌اینها (سلام الله علیها) روح و هسته آن بوده و برای آن مادری کرده، دست به فداکاری زده، از جوانی خود برای نبوت و از جان خود برای امامت آن گذشته است.

دختری که دریای معرفت و حکمت خود را به پای ریشه اسلام می‌ریزد تا نهال اسلام به واسطه مادران و زنان مسلمان رشد کرده و به سمت کمال حرکت کند. همچون یک وزیر در امور زنان به پدر خود که حاکمیت سیاسی امت اسلام را بر عهده داشت مشاوره می‌دهند و جزئی‌ترین مسائل مربوط به حریم و حقوق و منزلت زنان در جامعه را به دختران و مادران مدینه تعلیم می‌دهند. زهد و تقوا را کلید حفظ ارزش‌های زنانه می‌دانستند و باور داشتند که تربیت مادران، تضمین کننده آینده یک امت است.

در ابتدای زندگی زناشویی، پیوندی را طلب می‌کنند که رضایت خدا در آن باشد. ایمان، محبت، فداکاری پایه‌های اصلی زندگی علی (علیه السلام) و فاطمه صدیقه (سلام الله علیها) بودند و این می‌تواند مدل ساده و بدون تشریفات و مملو از صداقت برای ازدواج دختران و پسران مسلمان باشد.

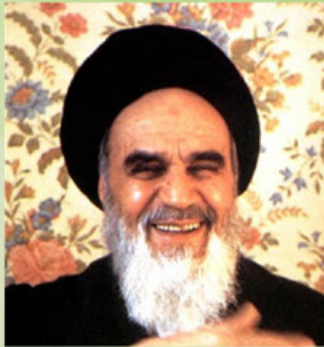
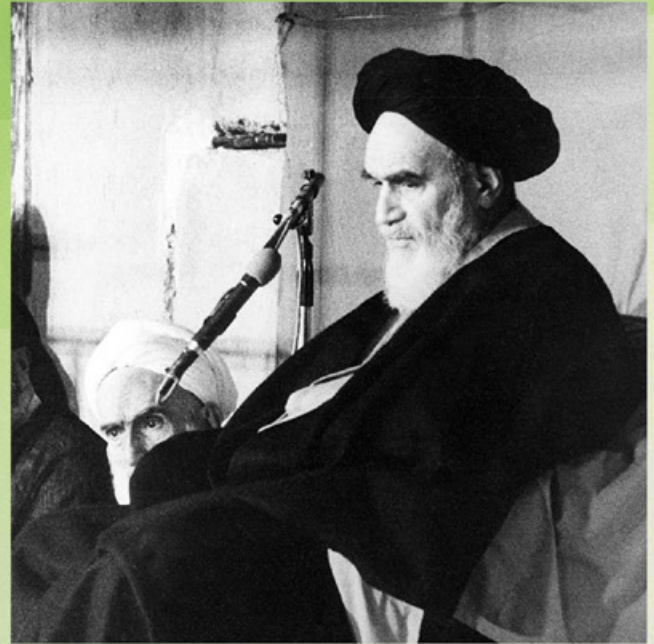
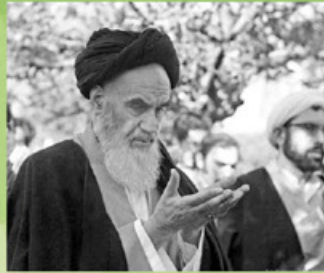
در شرایطی که همه اصحاب در کنار پیامبر اسلام مشغول مسائل سیاسی، اقتصادی و حتی جنگ‌های صدر اسلام بودند ایشان مسئولیت ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه تازه از جهل بیرون آمده را بر عهده داشتند. دلسوز امت اسلام بودند، دغدغه هدایت و سعادت همه مردم را داشتند و در عبادات مصلحت دیگران را مقدم بر حاجات خود می‌دانستند. از کانال زنان و دختران به درون خانواده‌ها نفوذ کرده و به بصیرت‌افزایی و آگاهی امت می‌پرداختند.

بعد از رحلت پیامبر، وجود مبارک خود را سپر دفاع از حق ضایع شده ولایت می‌کنند و در قالب یک خطبه سیاسی، دموکراسی سقیفه را زیر سوال می‌برند و عاملان سقیفه را با منطق غنی به چالش می‌کشند که چگونه شخصی هنوز هدایت نشده می‌خواهد هدایتگر یک امت باشد؟! آینده بدون ولایت را پیش‌بینی می‌کنند و سرنوشت امت خارج شده از ولایت را دچار بطلان و تباهی می‌دانند.

حتی پس از شهادت، همسر خویش را تنها نگذاشته و علی (علیه السلام) چهار عنصر و شخصیت تعلیم داده دست فاطمه کبری (سلام الله علیها) را در



روح خدا
روح امت
امام مظلومان
و مستضعفان



می‌کنند رفتار مادر به خوبی در رفتار بچه‌ها نمود پیدا می‌کند. وقتی زن از اسراف دوری کند، برای مثال حواسش به دور ریخته نشدن غذاها، استفاده درست از لباس‌ها و ... باشد، کودکان هم این شیوه را یاد می‌گیرند. اصل دوم طبق فرموده مقام معظم رهبری، استفاده از تولیدات داخلی کشور است. در واقع باید نسبت به توانمندی‌های کشور خود، کمی غیرتمندانه‌تر رفتار کرد. با کمی دوراندیشی می‌توان به این نکته رسید که مصرف کالای داخلی، تضمین شغل آینده فرزندان نیز هست.

قناعت اصل سوم است که البته اهمیتش کمتر از دو مورد قبل نیست. بسیاری از کالاها هستند که بود و نبودشان در زندگی اهمیتی ندارد و جزء ملزومات زندگی نیستند اما بخاطر تبلیغات و افتادن در ورطه چشم و همچشمی‌ها و تجملات، نیاز کاذب در انسان به وجود می‌آید؛ متأسفانه این مسأله بین خانم‌ها بیشتر رواج دارد، و اینجاست که اهمیت نقش زن در جلوگیری از این رفتارها نمایان می‌شود. دوری از مدگرایی و تجملات می‌تواند تأثیر بسزایی در شکوفایی اقتصاد مقاومتی داشته باشد. مثالی از قناعت و ساده زیستی را می‌توان در شرح ماجرای زیبای عروسی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) دید. جهیزیه‌ای مختصر که فقط کالاهای مورد نیاز زندگی را شامل می‌شد و لباس عروسی که به فردی تهیدست بخشیده شد.

آرامش و نشاط خانه

فراهم آوردن محیطی با نشاط و آرام برای اعضای خانواده می‌تواند بر روی روحیه آن‌ها اثرگذار باشد و در نتیجه افراد شاغل خانواده، از نظر روحی و جسمی کمتر خسته می‌شوند و می‌توانند بهتر و با انرژی بیشتری کار کنند. نمونه بسیار شیرین از این نوع روابط را می‌توان در زندگی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) دید: علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «فاطمه (سلام‌الله‌علیها) آن چنان کار خانه را به نحو مطلوب انجام می‌داد و با من برخورد مناسب می‌کرد که هرگاه با او مواجه می‌شدم، تمام غم‌هایم برطرف می‌شد و قلبم تسکین می‌یافت.»

بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴

تربیت و شکوفایی سرمایه‌های انسانی

یکی از وظایف مهم زنان در خانواده تربیت نیروی کار برای جامعه است. فردی که در خانه مسئولیت‌پذیری را تجربه نکرده باشد و عادت به تن‌پروری داشته نمی‌تواند نقش اقتصادی مؤثری داشته باشد. فرزندان آموزش و تمرین‌های ابتدایی مسئولیت‌پذیری را در درون خانواده فرامی‌گیرند. سوای واگذاری مسئولیت‌های کوچک و بزرگ به کودکان، تربیت بر پایه اصول اخلاقی نیز، اثر مستقیمی در کیفیت نیروی کار جامعه دارد. فرزندان که راستگو و باوجدان بار آمده‌اند، عزت نفس و اعتماد به نفس بالا دارند و زمینه برای شکوفا شدن استعدادهایشان در محیط خانواده فراهم شده است، می‌توانند تبدیل به افرادی مدبر و کارآمد شوند که کشور را از بیگانگان بی‌نیاز سازند.

خلاصه کلام

زن می‌تواند با مدیریت و بینش صحیح، در اقتصاد مقاومتی نقشی اساسی ایفا کند. با تأسی از حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) مصرف خانواده و در سطح کلان تر مصرف جامعه را بهینه سازی کند، و همچنین باعث شکوفایی سرمایه‌های انسانی شود.

یکی از ارکان جامعه که نقش مهمی را در پیش‌برد اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند، خانواده است؛ و در رأس خانواده، نقش زن به عنوان مدیر امور داخلی خانواده در این زمینه بسیار مورد توجه است. زن چه در جایگاه همسری و چه در جایگاه مادری اجراکننده مستقیم تدابیر اقتصاد مقاومتی در درون خانواده است. از آنجا که اسلام برای زنان، الگویی والاتر و جامع‌تر از حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) معرفی نکرده است، خوب است با نگاهی به زندگی ایشان، رهنمودهایی را برای هرچه بهتر قدم برداشتن در این راه دریافت کنیم.

اصلاح الگوی مصرف

«مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بدون شک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی‌سبیل‌الله را دارد. یک بُعد دیگر این مسئله‌ی تعادل در مصرف و مدیریت مصرف، این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛» مقام معظم رهبری، دیدار با کارگزاران نظام

در زمینه اصلاح الگوی مصرف بانوی خانه با مدیریت صحیح خویش و رعایت چند اصل می‌تواند زمینه مصرف درست را در خانه فراهم کند. اصل اول پرهیز از اسراف و درست مصرف کردن است؛ این اصل شامل خوراک، پوشاک، منابع انرژی و سایر کالاهای مصرفی خانواده می‌شود. از آنجا که فرزندان بیشتر اوقات خود را کنار مادر سپری

زن مسلمان اقتصاد مقاومتی

نویسنده: soode



حامد کوچک زاده



ارسال شده توسط: mamitavanim92

فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم رخ می‌دهد، مراقب باشید و اجاز ندهید داستان کربلا دوباره تکرار گردد. نگذارید داستان اندلس دوباره تکرار گردد.

برحذر باشید که بعد از گذشت سه دهه از انقلاب، هنوز جنگ به پایان نرسیده است، باور کنید. باور کنید که جنگ هست و جنگ امروز بسی سخت و دشوارتر از دفاع هشت ساله می‌باشد. دشمن با تمام قوا از زمین و آسمان، در حال حمله به مرزهای اعتقادی و ایمانی ماست. حرکتی کنید. چگونه است که ما نسبت به این مسائل بی تفاوتیم؟ والله قسم که اگر هرکدام از ما به اینجا (بی تفاوتی) برسد، یعنی اینکه دشمن تیر خلاص به ما زده است.

بی تفاوتی یعنی هرکس به فکر خور و خواب و خشم و شهوت باشد و لاغیر؛ بی تفاوتی یعنی اینکه نائب به حق آقا صاحب الزمان (عج)، امام خامنه‌ای عزیز، هر بار نسبت به این مسائل تذکر می‌دهد و ما فقط و فقط می‌شنویم اما هیچ اقدامی نمی‌کنیم. بی تفاوتی یعنی سکوت در مقابل قتل عام و غارت مسلمانان، یعنی سکوت در مقابل از بین بردن اسلام. اجازه ندهید این مسائل در جامعه عادی شود.

یقین بدانید دشمنان قسم خورده ما درصدد بین بردن آرمان‌های شیعه می‌باشند. همانا که آرمان‌ها، تحقیق بخشیدن به عدالت در کره زمین و ستاندن حق مظلومان و ستمدیدگان عالم می‌باشد.

۱۳۹۴/۱۰/۰۴ - حامد کوچک زاده

«من المومنین رجال صدقوا اما عاهدوا الله علیه و منهم من قضی نجه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا»

بعضی از آن مومنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند و بر آن عهد ایستادگی نمودند (تا برای خدا شهید شده) و برخی با انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند.

سلام و درود ما محضر مبارک قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الاعظم (عج)؛ سلام و درود ما بر معمار کبیر انقلاب اسلامی که روح تازه‌ای به اسلام بخشید؛ سلام و درود ما بر امام خامنه‌ای عزیز، که همه هستی‌ام فدایش.

سلام و درود ما بر همه دلدادگان حضرت ارباب که درس آزادگی و مبارزه را به ما آموخت تا زیر بار ظلم و ستم نرویم و در هر زمان و مکان مقابل یزیدیان زمانه که مصداق اتم آن، همین آمریکا (شیطان بزرگ) می‌باشد، بایستیم. یزیدیان زمانه‌ای که با به وجود آوردن گروه‌های تکفیری (مانند داعش) درصدد نابود کردن اسلام حقیقی هستند.

در این زمان، فرزندان خمینی (ره) می‌روند تا با خون خود، عقیده و ایمان، حجاب و عفاف، مردانگی و شرف و اسلام ناب محمدی را از هجوم حرامیان پلشت، نگهبان باشند. باشد که با پشتیبانی از ولی زمانه، قدردان خون این عزیزان باشیم و سخت‌ترین و مشکل‌ترین کار ماندن و گوش به فرمان و اطاعت کردن از ولی و رهبر می‌باشد، که بارها و بارها تاکید داشته که همان ای فرزندان روح الله! دارد تهاجم فرهنگی، شیخون



خاکپایان افکار

ارسال شده توسط: salam110

سید مجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی سال ۱۳۰۳ شمسی در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. یک ماه مانده به تولد او مادر سیدمجتبی در اتاق نشسته و در حالی که به در خیره بود، به خواب رفت، در عالم رؤیا، نوری آسمانی در تمام فضای خانه پخش شد. بانویی در میان نور ایستاد و گفت: «من فضا، خدمتکار حضرت زهرا(س) هستم. از سوی ایشان برای شما هدیه‌ای آورده‌ام، برد یمانی و یک خوشه انگور که سه حبه درشت و زیبا داشت؛ سال‌ها بعد بار دیگر هدیه مادرش فاطمه زهرا (س) را به یاد آورد. نگاهی به کودکان نواب انداخت. فاطمه، زهرا و صدیقه سه حبه زیبا که خداوند آنها را به او عطا کرده بود.

زمانی که سیدمجتبی در آبادان کار می‌کرد یکی از متخصصین انگلیسی به یکی از کارگرها سیلی می‌زند. سیدمجتبی برافروخته شده و می‌گوید: «وای بر شما که یک انگلیسی، کارگر ایرانی را می‌زند و همه سکوت می‌کنند، در حالیکه آنان از منافع کشور ما استفاده می‌کنند» و بر قصاص او تاکید می‌کند. این امر منجر به شورش می‌شود و دوستانش او را مخفیانه به عراق می‌فرستند و ایشان در نجف مشغول تحصیل علوم دینی می‌شود.

حجت الاسلام محتشمی‌پور در مورد حضور ایشان در نجف می‌گوید: شهید نواب یکی از طلاب پرشور نجف بود که سیمایی انقلابی و قاطع داشت و در نجف اشرف آنچنان تاثیری گذاشت که حتی مراجع وقت نتوانسته بودند همانند او موثر باشند. قهوه‌خانه‌ای در بازار عماره نجف، همواره با صدای بلند، موسیقی پخش می‌کرد. شخصیت و مقام رفیع مرحوم حکیم هم باعث نشده بود که به احترام ایشان صدای موسیقی را قطع کنند ولی برخورد منطقی و قاطع شهید نواب سبب شد هنگام ورود ایشان به بازار، بلافاصله صدای موسیقی خاموش شود.

وی پس از چهار سال تحصیل در نجف به دستور آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی جهت مبارزه با کجروی‌های کسروی به ایران آمد و «جمعیت فدائیان اسلام» را تشکیل داد. ترور وابستگان استعماری مانند کسروی، هژیر، رزم‌آرا و حسین علاء از جمله فعالیت‌های سیاسی این جمعیت می‌باشد.

قتل رزم‌آرا در راستای ملی شدن صنعت نفت و استقلال ایران از تسلط بیگانگان در دل رژیم چنان وحشتی انداخت که دولت حسین علاء مجبور به استعفا شد و مجلس، مصدق را به نخست‌وزیری انتخاب کرد. آیت‌الله کاشانی در این خصوص گفته است: «آن گلوله و ضربه عالیترین و مفیدترین ضربه‌ای بود که به پیکر استعمار و دشمنان ملت ایران وارد آمد».

شهید نواب قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در نامه‌ای به مصدق او را از سقوط دولت باخبر کرده و به وی جهت اجرای احکام الهی هشدار می‌دهد و تضمین می‌کند چنانچه دولت مصدق آماده‌ی اجرای احکام مقدس اسلام باشد، او و مملکت را به یاری خدای توانا و به برکت اجرای احکام و تعالیم عالی‌ه‌ی اسلام از هر بدبختی و سقوط حفظ نموده، به منتهای عزت و سعادت می‌رساند، ولی مصدق، نواب را به زندان انداخت که تا سقوط دولت او در زندان به سربرد و بعد آزاد گردید.

سرانجام نواب و سه نفر از یارانش پس از ترور نافرجام ذوالقدر در اول آذر ۱۳۳۴ بازداشت شدند و در همان سال در دادگاهی نظامی محکوم به اعدام شدند. آخرین نماز او در سالگرد شهادت حضرت زهرا(س) خوانده شد و وقتی خواستند چشمان نواب را برای اجرای حکم تیرباران ببندند، گفت چشمان مرا نبندید می‌خواهم با چشمان باز خدمت رسول خدا(ص) و حضرت زهرا(س) مشرف شوم. در ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ ساعت ۳:۳۰ موقع اجرای حکم اعدام، صدای نواب شنیده شد که می‌گفت «برادرم خلیلم، مظفرم، محمدم، آماده باشید که فاطمه زهرا(س) منتظر ماست.»





عربستان در عراق مخبر جنگ

نویسنده: hamase

در شماره قبل در مطلب «نصر سوریه» به تشریح عملیات پیروزمندانه نصر و دستاوردهای مهم و استراتژیک آن پرداختیم. پس از این عملیات و آزادسازی قسمت اعظم جنوب استان حلب، واکنش‌های متفاوتی از طرف‌های درگیر در این مسئله دیده شد؛ از ابراز خوشحالی ایران و روسیه تا عصبانیت عربستان و ترکیه و ...

ترکیه در اقدامی منفعلانه با بازگذاشتن مرزهای خود برای تروریست‌های القاعده، چند هزار نیروی تازه نفس به جبهه‌های استان حلب تزریق کرد و در اقدامی خطرناک با توپخانه ارتش خود شهرهای مرزی سوریه مانند «اعزاز» را گلوله‌باران کرد تا شاید به خیال خود بتواند جلوی پیشروی کردها در شمال حلب را بگیرد. از طرفی عربستان با اعلام برگزاری رزمایش «رعد شمال» با مشارکت ۱۵۰ هزار نیروی نظامی با همراهی چند کشور مانند پاکستان و مصر و سودان به این عملیات واکنش نشان داد.

تحلیل‌گران بر این باور بودند که با اعلام آمادگی وزیر دفاع ناپخته عربستان مبنی بر دخالت زمینی در سوریه، شاهد جنگی بزرگ در خاورمیانه خواهیم بود اما دیری نپایید که با واکنش قاطع ایران و روسیه مبنی بر پاسخ به هر متجاوز که وارد خاک سوریه شود این ادعا به همان سرعتی که مطرح شده بود فراموش شد.

اما از کشوری مانند عربستان سعودی که زمامداران جدیدش نشان داده‌اند که هیچ کار عاقلانه‌ای از آن‌ها سر نمی‌زند و در کارنامه آن‌ها حمله به کشور مظلوم یمن و فاجعه منا و ... دیده می‌شود، حمله احتمالی به سوریه هم ممکن است سر بزند اما به یقین آمریکایی‌ها زرنگتر از این هستند که اجازه چنین کاری را به آل سعود بدهند. با این وجود نمی‌توان حضور نیروهای سعودی در نزدیکی مرزهای جنوبی عراق را نادیده گرفت.

تقریباً می‌توان گفت که بخش اعظم استان الانبار عراق از داعش بازپس گرفته شده است و ارتش عراق در حال پاکسازی شهر فلوجه این پایتخت سنتی بعثی‌ها و تکفیری‌ها در عراق است. گرچه با



شد لذا حتما نیروهایی باید از قبل آموزش دیده باشند و یا از جایی به خدمت گرفته شوند و چه بهتر از نیروهای ائتلاف به اصطلاح سنی عربستان که در رزمایش رعد شمال حضور دارند؟ مخصوصا این که عملیات موصل بسیار نزدیک است و موصل هم یک شهر سنی‌نشین!!! عربستان می‌تواند با عبور از خاک عراق و استان الانبار و دور زدن بغداد خود را به دروازه‌های موصل برساند تا هم خود را ضدتروریست نشان دهد و هم در آزادسازی موصل سهمی داشته باشد و با تسخیر موصل اهرم فشاری در برابر دولت بغداد و محور مقاومت برای خود دست و پا کند. ضمن این که با این کار طرح تجزیه عراق هم با سهولت بیشتری پیش خواهد رفت.

یقینا آمریکایی که خواهان تجزیه عراق است مخالف این طرح نخواهد بود و یک کمر بند حائل میان عراق و سوریه شکل خواهد گرفت که می‌تواند به تروریست‌های مستقر در سوریه، در صورت نیاز کمک برساند و خیلی از اهدافی را که عربستان به دنبال آن است را به سرانجام برساند و دست ایران را در حمایت از مقاومت بسته و پروژه هلال شیعی ادعایی خود را به شکست بکشاند.

اما عربستان در باتلاق یمن فرو رفته و توان حرکت ندارد. همچنین با ایجاد توطئه قیمت نفت، ذخایر ارزی خود را به شدت کاهش داده و مشکلات اقتصادی سنگینی را برای خود ایجاد کرده و با اعدام شیخ نمر ضربه سنگینی به امنیت داخلی خود وارد کرده است. با نگاه به این مشکلات درمی‌یابیم که دولت سعودی رو به اضمحلال است و آخرین دست و پاهای خود را می‌زند اما باید دید و منتظر ماند تا ببینیم آمریکا این سنگ نگیبان انبارهای نفتی را چگونه مهار می‌کند و چقدر آن را سرپا نگه می‌دارد.

توجه به فشار نمایندگان اهل سنت پارلمان عراق و بافت شهر که غالبا بعثی هستند «حشدالشعبی» یا «بسیج مردمی عراق» از عملیات فلوجه کنار گذاشته شده و با خیانت افرادی، گروهی از بسیجیان عراقی در محاصره هستند و گمان می‌رود عملیات پاکسازی فلوجه با تاخیر مواجه شود، اما چشم‌ها منتظر وقایع شمال عراق یعنی موصل است.

برای پاکسازی موصل برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای توسط نیروهای نظامی و امنیتی عراق صورت گرفته، به طوری که حشدالشعبی عراق با اعلام آغاز عملیات امام هادی (ع) سعی در پاکسازی کامل شمال سامراء و جزیره سامراء داشت تا خود را به دریاچه الثرثار برساند. این عملیات با مشارکت بسیج مردمی و پلیس فدرال عراق صورت گرفت و با موفقیت کامل به پایان رسید به طوری که استان صلاح الدین به طور کامل پاکسازی شده و نیروهای ارتش عراق در نزدیکی منطقه المخمور اردو زده‌اند و منتظر دستور برای حرکت به سمت شهر موصل هستند.

اما زمه‌هایی مطرح می‌شود که با فشار آمریکا دولت عراق حضور نیروهای حشدالشعبی را در عملیات موصل ممنوع کرده و از طرفی آمریکا خواهان ورود نیروهای ائتلاف برای شرکت در این عملیات است، از سوی دیگر حضور نیروهای ترکیه در شمال عراق مسائل را پیچیده‌تر کرده و گمان می‌رود که ارتش ترکیه هم خواهان تقسیم گوشت قربانی فتح موصل می‌باشد. با توجه به بحث تجزیه عراق در راستای طرح خاورمیانه جدید و تنگ‌نظری‌های برخی عشایر سنی عراق در استان الانبار و نمایندگان پارلمان، طرح تشکیل ارتش سنی روی میز قرار دارد و به شدت توسط عربستان حمایت می‌شود. به زعم نگارنده این ارتش سنی هیچ‌گاه یک شبه تشکیل نخواهد



اشتباه بازجو
(خاطره)



حرف زدن ممنوع
(خاطره)



اصرار بر گناه نکن



صاحب عزا



شهید حامد
کوچک زاده



شهید مصطفی
صدرزاده



امام زمان
خودتو می‌خواود



خوب‌های
نیم بند



سوپر جاسوس‌ها



غیرت ملی



شهید همت از
آمریکا می‌گوید



بدل‌سازی
برای منجی



شکر نعمت
بالاتر از نعمت



صحنه گردانان تحصن



عقاید چپ اقتصادی



معنی حقیقی
عشق



روسیه در نبرد
آخرالزمان (دوگین)





تجارت با غیرمسلمان

ارسال کننده: iighalameshghii

آیا وارد کردن کالاهای اسرائیلی و ترویج آنها جایز است؟ در صورتی که این کار هرچند بر اثر اضطرار صورت بگیرد، آیا فروش آنها جایز است؟

باید از معاملاتی که به نفع دولت غاصب اسرائیل که دشمن اسلام و مسلمین است، خودداری شود و وارد کردن و ترویج کالاهای آنان که از ساخت و فروش آن سود می‌برند، برای هیچکس جایز نیست و همچنین برای مسلمانان هم خرید آن کالاها به خاطر مفسد و ضررهایی که برای اسلام و مسلمین دارد جایز نیست.

آیا وارد کردن کالاهای اسرائیلی توسط تجار و ترویج آن در کشوری که تحریم اقتصادی اسرائیل را لغو کرده، جایز است؟ واجب است افراد از وارد کردن و ترویج کالاهایی که دولت حقیر اسرائیل از ساخت و فروش آن منتفع می‌شود، خودداری کنند.

آیا برای مسلمانان خرید کالاهای اسرائیلی که در سرزمین اسلامی به فروش میرسند، جایز است؟ بر آحاد مسلمین واجب است که از خرید و استفاده از کالاهایی که سود تولید و فروش آنها عاید صهیونیست‌ها که با اسلام و مسلمین در حال جنگ هستند، می‌شود، اجتناب کنند.

آیا خرید تولیدات شرکتهای یهودی یا امریکایی یا کانادایی با وجود این احتمال که شرکتهای مزبور به تقویت دولت اسرائیل می‌پردازند، جایز است؟

اگر خرید و فروش این تولیدات موجب تقویت دولت حقیر و غاصب اسرائیل شده و یا در راه دشمنی با اسلام و مسلمین بکار می‌رود، خرید و فروش آنها برای هیچکس جایز نیست و الا اشکال ندارد.

کسانی که در کارخانه‌ها و مؤسساتی کار می‌کنند که سود آنها به دولتهای کافر می‌رسد و باعث استحکام و تقویت آنها می‌شود، چه تکلیفی دارند؟

کسب درآمد با کارهای مشروع فی‌نفسه اشکال ندارد هرچند از اموری باشد که درآمد آن به دولت غیراسلامی می‌رسد، مگر زمانی که آن دولت در حال جنگ با اسلام و مسلمین باشد و از نتیجه کار مسلمانان در این جنگ استفاده کند.

ارزش قلب

نویسنده: matinemami

خداوند ابزار شناخت را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا جستجو کند و از حقایق باخبر شود. این شناخت‌ها یک عقیده و نظام فکری یا همان ایدئولوژی را برای ما به ارمغان می‌آورد که مجموعه باورهای درونی که انسان قصد دارد به وسیله آنها قبل از هر چیز به قلب و روح خود آرامش ببخشد. وقتی عقیده به چیزی پیدا می‌شود در واقع آن باورها محور اطمینان و ثبات و سکون قلب قرار می‌گیرند. همان آرامش و اطمینان قلبی و همان حالتی که به آن ایمان می‌گویند.

هرچه شناخت‌ها دقیق‌تر و کامل‌تر باشند، عقاید ما به حقیقت نزدیک‌تر، محکم‌تر و قابل اعتمادترند و بر اساس آن ایمانی قوی‌تر شکل می‌گیرد. در مقابل، شناخت‌های ناقص عقاید نادرست تولید می‌کنند و به نام آرامش، قلب‌ها را در هر لحظه دچار تشویش و اضطراب می‌کنند. اما آن چه مایه قوت ایمان است، فقط شناخت و پایه‌های شناختی محکم نیست؛ رسیدن به ایمان قوی، به خود شخص بستگی دارد؛ که چقدر در برابر آن حقیقتی که درست تشخیص داده است، پذیرش و تسلیم قلبی داشته است. در این مرحله، کسی نمی‌تواند سر خود را کلاه بگذارد. هرقدر آرامش قلب من کم‌تر و در برابر کوچک‌ترین ضربه‌ها آسیب‌پذیر باشد، ریشه‌اش را باید در نقص ایمان خود بدانم. یعنی هنوز قلب من کاملاً تسلیم حقیقت نیست.

جوهر ایمان همین پذیرش و تسلیم قلبی است و گرنه ادعاهای ظاهری ما جز برخی آثار اجتماعی، بهره‌ای از سفره پر نعمت ایمان را نصیب ما نمی‌کند. غفلت از این نکته خصوصاً در ترویج دین، اعتماد به همراه راه زندگی، اطمینان به تصمیم‌ها و تربیت دینی مشکل‌آفرین است. زیرا تقویت زمینه‌های روانی ایمان و بسترسازی برای پذیرش قلبی حقائق، از دستور کار خارج و به جای آن به شور، احساس، شعارها و انباشتن ذهن‌ها از اطلاعات گوناگون، پرداخته می‌شود. در نتیجه در کنار تلاش و هزینه‌هایی که ظاهراً برای تقویت ایمان صرف می‌کنیم، عمل به ایمان هر روز کمتر شده است.



کشور عزیز و اسلامی ما که با وجود فرهنگ امامت و ولایت ریشه دواند و سبز گردید با حفظ و پاسداری از فرهنگ شهادت و ایثار آبیاری می‌شود. اگر خدای نکرده این فرهنگ به فراموشی سپرده شود، درخت انقلاب و ولایت خشک می‌شود.

چطور شد به داستان‌نویسی روی آوردید؟

علاقه من به داستان‌نویسی، از کتابخانه پدر بزرگم آغاز شد. با خواندن سرگذشت امامان و رمان‌های تاریخی. بزرگتر که شدم، خاطرات و درد و دل‌ها و غم‌های مردم را می‌نوشتم اما هیچ‌جا ثبت نمی‌کردم. از سال ۷۴ که به حوزه هنری راه پیدا کردم با بزرگانی چون خانم «تجار» و آقای «رهگذر» و آقای «ذنوزی» و آقای «علومی» آشنا شدم و در کلاس‌های نقد داستان سه‌شنبه‌ها شرکت کردم. چند داستان کوتاه در مجله جوانان به چاپ رساندم به نام: باور، آوار فقر و اتاق شماره ۴۴ که اتاق شماره ۴۴ در کتاب «مجموعه داستان سه‌شنبه‌های عزیز» گنجانده شد و از سوی بنیاد امور جانبازان برنده سکه و تقدیرنامه شد. من قبل از شروع جدی داستان‌نویسی، دوره فیلمنامه‌نویسی دیده بودم و مدرک کارگردانی از سینمای جوان داشتم. از آنجا که محیط فیلم و سینما را مناسب ندیدم، ادامه ندادم و فقط دو فیلم کوتاه به نام «امانت» در سال ۷۴، و «اتاق شماره ۴۴» را در سال ۹۱

جانباز جبهه‌های دفاع مقدس، فرمانده پایگاه بسیج، شاعر، داستان‌نویس، فیلمنامه‌نویس، همسری شجاع و فداکار و مادر دو فرزند خلاصه‌ای از ویژگی‌های بانوی ارجمندی‌ست که در این شماره افتخار پیدا کردیم پای صحبت‌هایشان بنشینیم.

لطفاً برای آشنایی مخاطبان، یک معرفی کوتاه از بیوگرافی و جایگاه علمی و فرهنگی خودتان بفرمایید.

جمילה کاظم زاده، متولد سال ۱۳۴۰، تهران. دارای کارشناسی ادبیات و زبان فرانسه و مدرک کارگردانی از سینمای جوان. به مدت دو سال هم در کلاس‌های شعر چهارشنبه‌های آقای «براتی‌پور» شرکت می‌کردم، زیرا لازم می‌دیدم اشعاری که در مورد دفاع مقدس نوشته بودم به کمک آن بزرگوار تصحیح شود.

به تهیه کنندگی پسر من ساختم. بسیار مایل بودم وقایع دفاع مقدس را که در سال ۵۹ خودم از نزدیک به چشم دیده بودم، به صورت فیلم درآورم، که متأسفانه ادامه ندادم و هنوز هم خاطرات ۴۰۰ صفحه‌ای که از آن روزهای جنگ نوشتم، شبیه‌اش را هیچکس ننوشته و نساخته.

این فیلم‌هایی که ساختید به اکران عمومی هم رسید؟

فیلم کوتاه اولم برای ارائه پایان ترم بود و فیلم کوتاه دوم بعد از تایید وزارت ارشاد صداگذاری‌اش اشکال داشت که به خاطر بیماری‌ام کار به تعویق افتاد.

با وجود مطالبه و استقبال از کتاب‌هایی مثل «دا» و «من زنده‌ام» در جامعه، چرا خاطرات مربوط به روزهای دفاع مقدس را منتشر نکرده‌اید؟

اصل خاطرات دفاع مقدس را جایی منتشر نکردم، اما بصورت فیلم‌نامه دست آقای کاسه‌ساز و آقای کمال تبریزی است.

آیا اشعارتان منتشر شده؟

اشعارم بسیار کم هستند، چندتا از آنها را در حضور فرماندهان سپاه و جلسه هفته دفاع مقدس خواندم در پشت تریبون، اما جایی به چاپ نرساندم.

تاکنون چند کتاب منتشر کرده‌اید؟

یک رمان در سال ۷۶ به نام «خاکستر عشق» با ۲۴۰ صفحه نوشتم که طرح روی جلد را به خود انتشارات شقایق سپردم. انتشارات برای فروش بیشتر، تمام سر و ته کتاب را زد و سخنرانی‌های امام خمینی (ره) را در مدرسه فیضیه حذف کرد و فقط عاشقانه آن را به چاپ رساند که اصلاً راضی نبودم. کتاب دیگری به نام «گوهر» در سال ۹۲ بود، به چاپ انتشارات امیرکبیر و با طرح و انتخاب سوژه از جانب آقای شیخ زاده با معرفی سرکار خانم تجار عزیز و سومین داستانم در کتاب «مجموعه داستان‌های سه‌شنبه‌های عزیز» است.

محور و موضوع کتاب «سه‌شنبه‌های عزیز» چیست؟

موضوع مجموعه داستان‌های سه‌شنبه‌های عزیز برمی‌گردد به داستان کوتاه نویسندگانی که در جلسات روز سه‌شنبه استاد عزیزمان سرکار خانم «تجار» حضور داشتند و بنده هم جزو آنها بودم اما داستان کوتاه «اتاق شماره ۴۴» در کتاب «ماه بی‌غبار» چاپ شد که بنده فراموش کردم بگویم، این کتاب زیر نظر بنیاد امور جانبازان است، انتشارات سوره مهر

نوشته‌های فاخر یک نویسنده مثل فرزند برای صاحب اثر عزیز هست. تمایل به پیگیری مجدد برای انتشار متن کامل خاکستر عشق را ندارید؟ حتی به صورت پی‌دی‌اف و مجازی. رمان خاکستر عشق را به دلیل طرح روی جلد نتوانستم به چاپ مجدد برسانم و تصمیم به بازنویسی گرفته بودم تا به انتشارات دیگر بدهم که بیماری‌ام امان نداد،

نوشتن برای چه رده سنی را ترجیح می‌دهید؟

نوشته‌هایم در رده‌های سنی نوجوان، جوان و بزرگسال است.

به نظر شما چه نوع کتاب‌هایی مخاطب بیشتری دارند؟

امروزه آنطور که خودم به چشم دیدم، کتاب‌های بسیار قدیمی و مخصوصاً رمان‌های طولانی، بیشتر در دست مردم و کتابخانه‌هایشان است و از رمان‌های سبک و گمراه کننده، دیگر خبری نیست.

وضعیت کتابخوانی در کشور را چطور ارزیابی می‌کنید؟

وضعیت کتاب‌های کشور را با ورود دنیای مجازی و دانلود کتاب‌ها از اینترنت و در دست نگرفتن کتاب توسط مردم را کمی غمناک می‌بینم، که امیدوارم با تبلیغات و آگاه کردن مردم فهیم ایران، این مشکل حل شود.

از فضای مجازی هم برای رساندن نوشته‌هایتان به مخاطب استفاده کرده‌اید؟

آخرین نوشته‌هایم برای دو سال پیش بود و ۱۰ داستان کوتاهی که در مورد دفاع مقدس است، توسط استاد عزیزم خانم راضیه تجار، غلط‌گیری و الکترون شده، همان دو سال پیش و هنوز به چاپ نرسانده‌ام و کانال‌ها و دنیای مجازی هم که تازه به وجود آمده. و تاکنون مطالبم را در این فضا منتشر نکرده‌ام.

اینطور که فرمودید ظاهراً در جبهه‌های دفاع مقدس حضور داشتید. دلیل حضورتان چه بود؟

همسرم «محمود زمانی» با گروه سرهنگ فتحی و سرهنگ عسگری که از درجه‌داران متعهد و مومن شهربانی سابق بودند و اولین گروه که به امام پیوستند و بطور داوطلب به آبادان اعزام شدند و در ساختمان مرکزی مخابرات آبادان بودند که بعضی‌ها آنها را هماران کردند. همه به تصور اینکه آنها به اتفاق ده نفر دیگر شهید شده‌اند هیچ اقدامی برای نجات‌شان صورت نگرفت تا اینکه همسرم با تعمیر سیم‌های تلفن به ما زنگ زد و خبر داد که سه روز است زیر آوار مانده‌اند و با چند عدد خرما سر می‌کنند. آنجا بود که وقتی سراغ رئیس شهربانی رفتیم گفت اجازه نداریم پیش برویم زیرا دشمن از رودخانه بهمنشیر پل شناور زده و نیروها تلف می‌شوند. البته این دستور بنی صدر بود. من که طاقتم تمام شده بود تصمیم گرفتم به کمکشان بشتابم و با چنگ و دندان هم که شده آنها را از زیر آوار نجات دهم. جوانی بود و سرنترس!

آیا موفق به نجات همسر و همراهان‌شان شدید؟

گروه هلال احمر و سپاه قبلاً از رسیدن ما آنها را نجات و به پشت خط انتقال داده بودند. البته سرهنگ فتحی و چند نفر دیگر به شهادت رسیده بودند و من به خیال اینکه همسرم به اسارت گرفته



از دورانی که فرمانده بسیج بودید بگویید. آیا هنوز هم در بسیج فعالیت می‌کنید؟

در پایگاه آموزش اسلحه و دفاع شخصی به خواهران میدادم، و جلسات آموزش قرآن توسط خانم اشراقی، که بعدها ایشان در انفجار در کربلا به شهادت رسیدند، مدت‌ها از این موضوع متأثر بودم. بعدها به خاطر تشنج و سردردهای شدید که پزشکان تشخیص موج انفجار داده بودند بستری شدم، به خاطر مصرف دارو‌ها مشکل کلیه‌هایم بدتر شده دایم صورت و دست و پاهایم ورم می‌کند و نمیتوانم راه بروم

به عنوان یک بانوی نویسنده، شاعر، فیلمنامه‌نویس و جهادگر که جزو جانبازان گرانقدر هم هستید اوضاع فرهنگی کشور را چطور می‌بینید و چه توقعی از مسئولین دارید؟

کشور عزیز و اسلامی ما که با وجود فرهنگ امامت و ولایت ریشه دواند و سبز گردید با حفظ و پاسداری از فرهنگ شهادت و ایثار آبیاری می‌شود. اگر خدای نکرده این فرهنگ به فراموشی سپرده شود، درخت انقلاب و ولایت خشک می‌شود. مگر نه اینکه ما شیعه هستیم؟ پس پشت رهبری را نباید خالی کنیم و همچنان سرباز ایشان و امام زمان باقی بمانیم تا ظهور حضرت مهدی (عج) ان شاء الله.

از اینکه وقت خود را در اختیار نشریه قرار دادید سپاسگزارم خواهش می‌کنم، شما هم از سربازان امام زمانید، این کار فرهنگی و رسانه‌ای شما کمتر از جهاد نیست. موفق و سلامت باشید ان شاء الله

شده تصمیم گرفتم آنقدر بمانم تا انتقام را بگیرم زیرا هر چه جستجو می‌کردم نامش در فهرست بیمارستان صحرایی نبود؛ غافل از اینکه همسرم به خاطر نگران نشدن من و خانواده‌اش خود را سریعاً به تهران رسانده بود. او وقتی جای مرا خالی دیده بود، مدت‌ها به دنبالم می‌گشت. سرانجام خانواده‌ام پس از چند ماه مرا با کتک به خانه برگرداندند چون بدون اجازه و بی‌خبر رفته بودم و هنوز با همسرم نامزد بودم و امانت دست آنها!

پس سفر جسورانه‌ای بوده! چه مدت در جبهه حضور داشتید؟

دقیق یادم نیست اما بعد از اصابت خمپاره به یک کیلومتری سنگر رزمندگان، وقتی با سمت راست صورت به زمین پرتاب شدم، از گوش چپم خون آمد و خدا خیرش دهد خانم رضایی را که به دادم رسید. فقط تا آنجا یادم هست که سال ۶۲ تهران بودم. بعد از ازدواج انگار نه انگار که اتفاقی برایم افتاده بود. هرچه گفتند بروم کارت جانبازی بگیرم شرم آمد. گفتم مگر نابینا شده‌ام یا دست و پایم را از دست داده‌ام! کارت و درصد یعنی چه؟ هنوز که هنوز است برخی همزمان را می‌بینم که آنها هم سنی‌اژان گذشته، مثل آقای باقری که مثل من عمل کرده و اهمیتی به ترکش‌های ریز و درشت پهلوهایشان ندادند. ایشان جانباز موج انفجار هم بودند. البته الان پنج سال است از ایشان خبر ندارم. همسرم تا همین ده سال پیش ترکش‌های بسیار ریز از زیر پوستش راه می‌رفت و بیرون می‌آمد و پیراهنش همیشه لکه خون داشت.

آیا از روند درمان راضی هستید و بنیاد جانبازان در این زمینه کمکی می‌کند؟

این اواخر خیلی زود زود بیمارستانی می‌شوم. قبلاً کمتر تشنج می‌کردم و صداهای توی سرم کمتر بود. خدا خیرشان دهد پزشکان خوب و دلسوزی داریم؛ آقای علیزاده، آقای قشونی و آقای وجدانیان در بیمارستان ناجا.

یکی از خاطرات کوتاه آن زمان را برای ما تعریف کنید.

از خاطراتم تنها موضوعی که بسیار دلم را می‌سوزاند و هرگز یادم نمی‌رود دیر رسیدن نیروها به بالای سر رزمندگان تشنه‌ای بود که پس از یازده روز یکی از آنها پیش چشم‌مانمان به شهادت رسید (دوران بنی صدر ملعون که اجازه هیچگونه پیشروی و کمک نمی‌داد و بچه‌های سپاه، خودشان وارد عمل شده بودند). بعدها یکی از نیروهایم که مادر شهید مروتی بود در پایگاه بسیج برایم تعریف کرد که پسرش را وقتی یافتند نفس‌های آخر را می‌کشید و تشنه... حامل دگرگون شد و بغض نگذاشت بگویم من آن شهید بزرگوارت را سی و سه سال پیش از نزدیک دیدم.



اصلا قرار نبوده تو زیباترم کنی
یا سوژه‌ی نگاه کس دیگرم کنی
زیبایی از درون خودم جلوه می‌کند
باید شبیه آینه‌ها باورم کنی

ابر سیاه پر تپش، نم نمک ببار
با قطره‌های شوکت خود تا ترم کنی
شعر نجیب بودن من عاشقانه است
می‌ارزد عاشقانه مرا از برم کنی
باید مرا بغل کنی و مثل قصه‌ها
در قصر مخفی تن خود، دلبرم کنی
چادر، میان حادثه‌ها باش تا خودت
حرز دعای حضرت زهرا سرم کنی

زهرا آراسته نیا

دور ز ما هست چو دلدار ما
آه جگر سوز شده کار ما

زان همه اشکی که سرازیر شد
خشک شده، دیده‌ی خونبار ما

سر زُند از مگه چو ماه منیر
دیدن رویش بُود افطار ما

منتقم یاس پیمبر، بیا
نیست نما دشمنِ غدار ما

گُنن ظری از سر الطافِ خود
شاد بفرما دلِ غمبار ما

دستِ شفا بخش تو ای نازنین
مرهم این سینه‌ی بیمار ما

این سخنِ حامی دلخسته است
نام تو شد زینتِ اشعار ما

عُصه ما، قصه بی‌همدمی است
نیست کسی غیر تو غمخوار ما

ما همه، شرمنده‌ی روی توئیم
هر چه گئی هست سزاوار ما

ما همه، محتاج نگاه توئیم
چونکه شود موقعِ احضار ما

Soleiman

اصل این کار محال است که ممکن بشود
اینکه از درد بخواهیم مسکن بشود

غرب شیطان بزرگ است ولی یک عده
ظاهرا نقشه کشیدند که مومن بشود!

حیف وقتی که شود خرج رفاقت با غرب
حیف دریا که لجنزار پر از شن بشود

عاقبت از سر اسلام تو پل خواهد ساخت
سلطه جویی که به نحوی متمدّن بشود

مرده انسانیت و غیرتشان، وای اگر
این جسد بیشتر از این متعفن بشود

عده‌ای را مرض دوستی غرب گرفت
نگذاریم مرض اینهمه مزمن بشود

یوسف مسعودپور



کار بی دلیل نداشته باش

ارسال شده توسط: soode

خداوند در آیه ۳ سوره مومنون می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» مومنان کسانی هستند که از لغو اعراض می کنند. در زندگی شان لغو نیست. حرف لغو می زنند. خوب اگر آدم از لغو اعراض داشته باشد، نمازش هم درست می شود. نماز درست مال آدمی است که کار لغو می کند. لغو را معنا نکردند. لغو یعنی کار بی معنا. من یک کاری می کنم که نه نتیجه دنیایی برایم دارد و نه نتیجه اخروی.

شما صبح به دنبال کسب می روی. کسب لازم است. برای اینکه دستت جلوی مردم دراز نباشد. مثلا برای اینکه زندگی خانواده خودت را اداره کنی. به دنبال کار می روی. خوب این می تواند کاملا پسندیده باشد. پس کار لغو نیست. آدم همیشه هرکاری می کند یک دلیلی دارد. اگر دلیل پسندیده باشد، کار لغو نیست، معقول است. روز قیامت از شما پرسند چرا، می توانی بگویی به این دلیل. و این دلیل آنجا پسندیده است. خیلی مهم است. من کاری که می کنم را می توانم جواب بدهم یا نه.

حالا ببینید من چقدر از نگاه هایم را نمی توانم جواب بدهم. آدم چند تا از نگاه ها را می تواند جواب بدهد؟ چند درصدش را؟ بسیاری از نگاه های ما لغو است. بسیاری از حرف های ما لغو است. تا لغو به زندگی آمد نشان می دهد که ایمان من مشکل دارد. وقتی ایمان من مشکل دارد، پس نمازم... اصلا نماز من نشان می دهد که ایمان من مشکل دارد. پس در زندگی ام لغو وجود دارد. به طور جدی لغو وجود دارد. چون به طور جدی وجود دارد من نمی توانم درست نماز بخوانم. اگر همه کارهای من درست بود و می توانستم جواب شان را بدهم، نمازم درست بود. به صورت دو دوتا چهارتاها. اینها نشانه هایی است که قرآن فرموده و قرآن شوخی هم ندارد.

حجت الاسلام والمسلمین جاودان (حفظه الله)





زهرا زیباترین کلمه خدا
و شریف‌ترین بهانه خلقت شد..
چون افلاک را آفرید، با نور فاطمه (س) آنها را روشنی بخشید
و هنوز که هنوز است
خفاشان شب پرواز تاریخ را یارای تحمل درخشش کوثر نبی و فرزندانش نیست
هنوز بغض پنهان «اولین مدافع حرم»، گلوی زمان را می‌فشارد
هنوز نامرد مردمانی هستند که «علی» را خانه نشین می‌خواهند
و دستان «علمدار» را مقطوع
هنوز صدای محبوبه خدا به گوش میرسد که:
آنها چه ایرادی بر «علی» داشتند؟!